



کوکو: پرنده‌ی بی‌خانمان

دبیرچه‌ی زیست‌ایران

محمد گرام‌الدینی

می‌گذارند و مراقبت از جوجه‌ها را به صاحبان این آشیانه‌ها وامی‌گذارند. این نوع زندگی، نوعی زندگی انگلی-راهزنی به شمار می‌رود.

کوکوی ماده، نخست آشیانه‌ی پرندگان کوچک اندامی، مانند «دم جنبانک» یا «بسک» (پرنده‌ای از گنجشک‌سانان، ولی کوچک‌تر از گنجشک) را زیر نظر می‌گیرد. وقتی مطمئن می‌شود که پرنده‌ی ماده به تازگی در آن آشیانه تخم گذاشته است و روی آن‌ها می‌خوابد، منتظر فرصتی کوتاه می‌ماند که پرنده‌ی میزبان به مدت چند لحظه آشیانه را ترک کند. در این هنگام با سرعت روی تخم‌های پرنده‌ی میزبان می‌نشیند و در مدت چند ثانیه یک تخم کوچک که شباهت بسیاری با تخم‌های میزبان دارد، در آشیانه می‌گذارد و بلافاصله آشیانه را ترک می‌کند.

چند روز بعد جوجه‌ی کوکو خیلی زودتر از جوجه‌های میزبان از تخم بیرون می‌آید. اولین کار این جوجه که هنوز چشم باز نکرده است، آن است که



هر چه را درون آشیانه لمس می‌کند، روی پشت خود می‌گذارد و از آشیانه به پایین می‌اندازد و به این وسیله، همه‌ی تخم‌های پرنده‌ی میزبان را به پایین

در زبان فارسی وقتی می‌گوییم «کوکو» منظورمان بیشتر غذای خوش مزه‌ای است که با تخم‌مرغ درست می‌کنند. شاید هم با شنیدن این واژه به یاد ساعت دیواری قدیمی‌مان بیفتیم که به فاصله‌های زمانی منظم، جسمی شبیه به پرنده‌ای از آن بیرون می‌زند، می‌خواند: «کوکو» و بدین ترتیب گذر زمان را خبر می‌دهد. اما شاید تجربه‌ای متفاوت از این دو داشته باشیم. ممکن است وقتی در طبیعت، مخصوصاً در پاییز و بهار در طبیعت کشورمان بوده‌ایم، صداهایی بریده بریده ولی منظم از دور دست‌ها به گوشمان رسیده باشد؛ صداهایی گوش‌نواز مانند کسی یا چیزی که هر چند ثانیه یک بار بگوید: «کوکو».

در اصل نام پرنده‌ای خاص است، اندکی بزرگ‌تر از اعضای خانواده‌ی کبوتر سانان و به خانواده‌ی دیگری به نام خانواده‌ی کوکوسانان تعلق دارد.

کوکوی پرنده

در سرزمین ما چها نوع کوکو زندگی می‌کنند: کوکوی تاج‌دار، کوکوی خال‌دار، کوکوی آسیایی و کوکوی معمولی.

کوکوی معمولی در کناره‌های جنگل‌ها، در بوته‌زارها و علف‌زارهای بی‌درخت زندگی می‌کند. همه‌ی این چهار عضو خانواده‌ی کوکوسانان در آشیانه‌ی پرندگان گونه‌های دیگر تخم

کوکو هم نام نوعی غذاست و هم نوعی پرنده. در این جا به کوکویی که غذاست کاری نداریم، بلکه می‌خواهیم به پرنده‌ای که کوکو نام دارد، بپردازیم.

اما آیا هر پرنده‌ای که صدای «کوکو» درمی‌آورد، کوکو نام دارد؟ خیر. مثلاً صدای برخی از کبوترسانان، مانند «فاخته» هم شبیه کوکوست، در حالی که نام آن‌ها کوکو نیست. به همین علت هم برخی از افرادی که پرنده‌ها را کم می‌شناسند، به فاخته که نوعی کبوتر است، اما صدایی شبیه کوکو دارد، به‌نادرست می‌گویند «کوکو». کوکو اما

می‌اندازد و نابود می‌کند. مادرخوانده و پدرخوانده، یعنی پرندۀ‌های میزبان که نمی‌دانند این جوجه، جوجه‌ی خودشان نیست، مرتب به او غذا می‌رسانند، از او مراقبت می‌کنند و او را پرورش می‌دهند.

به زودی جوجه‌ی کوکو بزرگ می‌شود، به طوری که پدرخوانده و مادرخوانده برای سیرکردن شکم جوجه‌ای که جثه‌اش چند برابر جثه‌ی خود آن‌هاست، در تلاش دائم قرار می‌گیرند. جوجه‌ی کوکو پس از آن که بزرگ شد، آشیانه را ترک می‌کند و معمولاً به جز در مواقع زادآوری و آمیزش، به تنهایی زندگی می‌کند.

پیرامون ما پر است از شگفتی‌ها، هماهنگی‌ها، نظم و تدبیر. اگر کوکو چنین ترفندی را برای ادامه‌ی زندگی به کار نمی‌بست، منقرض و نابود شده بود

سازگاری‌ها

چه نوع سازگاری‌هایی در این رفتار کوکو وجود دارد؟ یعنی این رفتار با نوع و سبک زندگی پرندۀ چه سازگاری‌هایی دارد؟

نخست، کوکوی ماده به مراقبت از جوجه‌ها و غذارسانی به آن‌ها نیاز ندارد، آشیانه نیز نمی‌سازد. در نتیجه کوکو وقت بیشتری برای غذا یافتن و غذا خوردن دارد و می‌تواند تعداد زیادی تخم تولید کند.

دوم، کوکوی ماده فقط در مدت چند ثانیه در آشیانه‌ی میزبان تخم می‌گذارد. چون هر لحظه ممکن است صاحب آشیانه از راه برسد و اگر پرندۀ غریبه را در آشیانه‌ی خود ببیند، آن آشیانه را ترک می‌کند و دیگر هرگز به سراغ آن نمی‌آید. سوم، اندازه‌ی تخم کوکو کوچک و

نزدیک به اندازه‌ی تخم میزبان است. یعنی پرندۀ‌ای با جثه‌ای به اندازه‌ی کبوتر، تخمی تقریباً به اندازه‌ی تخم گنجشک می‌گذارد. این کار برای آن است که پرندۀ میزبان متوجه نشود که در آشیانه‌اش تخم بیگانه‌ای گذاشته شده است.

و به غذای بیشتری نیاز دارد. ششم، جوجه‌ی کوکو پس از مشاهده‌ی والدین میزبان، دهان خود را باز می‌کند و پوشش نارنجی رنگ درون دهان را که محرکی است برای میزبان، به آن‌ها نشان می‌دهد. جالب است بدانیم که پرندگان هنگام جوجه‌آوری



در سرزمین ما چهار نوع کوکو زندگی می‌کنند: کوکوی تاج‌دار، کوکوی خال‌دار، کوکوی آسیایی و کوکوی معمولی

چهارم، جوجه‌ی کوکو خیلی زود سر از تخم در می‌آورد، چون مأموریتی برای نابودی تخم‌ها و جوجه‌های میزبان دارد. اگر جوجه‌های میزبان از تخم خارج شوند، ممکن است پرندۀ میزبان به تفاوت آن‌ها با جوجه‌ی کوکو پی ببرد و جوجه‌ی انگل را بیرون بیندازد.

پنجم، جوجه‌ی کوکو به طور غریزی تخم‌های میزبان را پایین می‌اندازد. این کار علاوه بر تأمین سازگاری مورد قبلی، پدر خوانده و مادر خوانده را وامی‌دارد که فقط از او مراقبت کنند، چون جوجه‌ی کوکو بزرگ جثه است

نسبت به این رنگ حساس‌اند و تمایل دارند، به درون آشیانه‌ی از همین رنگ که در آشیانه هستند، غذا بگذارند؛ حتی اگر قطعات کاغذ رنگی را درون آشیانه قرار دهیم. به همین علت رنگ پوشش درون دهان جوجه‌های این پرندۀ نارنجی است.

از نسلی به نسل دیگر

پیرامون ما پر است از شگفتی‌ها، هماهنگی‌ها، نظم و تدبیرها. اگر کوکو چنین ترفندی را برای ادامه‌ی زندگی به کار نمی‌بست، منقرض و نابود شده بود. بی‌گمان کوکو و میزبانان آن از این روابط چیزی نمی‌دانند و توان انجام همه‌ی این کارها در ژن‌های این پرندگان نهاده شده است و از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد.